

## پیش‌خواران

ناگفته‌های زندانیان رژیم پهلوی در آیینۀ یک پژوهش نوانتشار

### «خاطرات زندان» به روایت شاهدان دوران

■ سمانه صادقی



در سال‌های اخیر، انکار پدیده شکنجه در دوران رژیم پهلوی، به یکی از اشکال خود نما یی جریان موسوم به سلطنت طلب تشکیل شده است! این در حالی است که ازاردیدگان کمیته مشترک ضدخرابکاری، همچنان زنده‌اند و برخی از آنها آثار شکنجه‌های اعمال شده را هنوز بر بدن خویش دارند! آثی که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، همانگونه که از نام آن هویداست، «گزیده‌ای از ناگفته‌های زندانیان سیاسی رژیم پهلوی» را در خویش دارد. این پژوهش از سوی حمید غیاثیان انجام شده و انتشارات سوره مهر، آن را روانه بازار کتاب ساخته است. تازمانی ناشر در باب مضمون و محتوای این کتاب، به نکات پی امده اشارت برده است: «کتاب خاطرات زندان، گزیده‌ای از ناگفته‌های زندانیان سیاسی رژیم پهلوی است که سیدسعید غیاثیان آن را تدوین کرده است. نویسنده، خاطرات را به ترتیب زمان و موضوع حادثه انتخاب کرده است. بدین شرح که خاطرات قبل از دستگیری، دستگیری و ورود به زندان در ابتدای کار و خاطرات فرار و آزادی از زندان، در انتها قرار گرفته است. در این بین دو موضوع پایانی نیز که هر زندانی سیاسی با آن سر و کار داشته، گنجانده شده است. در پایان شش ماه فعالیت تحقیقی، نویسنده هفتاد خاطره را در ۱۰ موضوع اصلی، تدوین کرده است. تنوع مطالب کتاب، نسبت مستقیم با رویدادهای داخل زندان دارد. بدین ترتیب فراوانی خاطرات مربوط به دستگیری، بازجویی و شکنجه، بسیار بیشتر از مسئله‌ای همچون حضور در دادگاه و حواشی آن می‌باشد. در متن کتاب تعداد چهار مورد خاطره مربوط به قبل از دستگیری، ده مورد



■ نمایی از موزه عبرت ایران کمیته سابق مشترک ضدخرابکاری ساواک

به دستگیری، ۹ مورد به بازجویی و شکنجه، شش مورد به شرایط زندان، دو مورد به دادگاه، پنج مورد به اعتصاب و شورش، ۱۱ مورد به مسائل داخلی زندان، ده مورد به تفریحات و سرگرمی، هفت مورد به ملاقات و مسائل خانوادگی، پنج مورد به فرار و آزادی و در پایان، دو خاطره از تمامی وقایع زندان آورده شده است. استفاده از خاطرات افراد یاد شده در کتاب، کاملاً تصادفی بوده و برحسب جذابیت خاطره، گزینش و انتخاب گردیده است...»

«خاطرات زندان» در بخشی از خود، به روایت این ماجرا پرداخته است: «تومبیل با سرعت به جلو می‌رفت و من نیز با سرعتی همپای آن، صفحات ذهنم را به عقب ورق می‌زدم، تا شاید دلیلی برای این دستگیری بیابم. هر چه بیشتر فکر می‌کردم و گذشته واروسی می‌کردم، کمتر نتیجه می‌گرفتم و در این باره توجهی به نظرم نمی‌رسید. بالاخره به تهران رسیدیم. پس از عبور از در باغ ملی، ماموری که در سمت چپ من نشسته بود، با چشم‌پندى سیاه رنگ چشمان مرا بست که نتوانم تشخیص دهم به چه کدام سمت می‌رویم و از چه دربی و به کجا وارد می‌شویم. به محض بسته شدن چشم‌هایم، ناخودآگاه به یاد فیلمهای خارجی افتادم که در آن زندانیان را چشم بسته به زندان می‌بردند. پس از اینکه از چند خیابان کوتاه و بلند عبور کردیم، سرانجام وارد زندانی شدیم که بعدها فهمیدم کمیته مشترک ضد خرابکاری است. در باره بازجویی‌ها و شکنجه‌های این کمیته، جسته و گریخته مطالبی را شنیده بودم. حسنی به من می‌گفت که باید خویشن را برای دوره‌ای سخت آماده کنم. در بدو ورود به کمیته، تنها گوش‌های متهم آزاد بود که از شنیدن صداهای آن ترسد و پیش از آغاز بازجویی، خود را برای لو دادن همه کس و همه چیز آماده کند...»

## حالات و مقامات عالم انقلابی

زنده‌یاد آیت‌الله محمد یزدی

در آیینۀ ۴ روایت

## مجاهده و صبر



### حالات و مقامات عالم انقلابی زنده‌یاد آیت‌الله محمد یزدی در آیینۀ ۴ روایت

# مجاهده و صبردر طریق برقراری واعتلای ولایت فقیه

■ **احمد رضا صدری**

**در روزهایی که بر ما می‌گذرد، فقدان عالم مجاهد و بصیر زنده یاد حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمد یزدی پنج ساله می‌شود. هم او که به دلیل پایمردی بر صراط مستقیم انقلاب و نظام اسلامی و نیز حمایت بی‌دریغ از ولایت فقیه، بسا حملات مستقیم خویش باز نایستاد. به همین مناسبت و در مقال پی آمده، سیره فردی و اجتماعی آن بزرگ را در آیینۀ روایت چهار تن از مرادانش باز خوانده‌ایم؛ روحش شاد و یادش گرامی باد.**

■ ■ ■

■ **زندگی شخصی، نمادی از خلوص و معادباوری**

سخن از منش فردی زنده یاد آیت‌الله محمد یزدی آغاز می‌کنیم، چه اینکه تربیت عمومی در جامعه از سبک زندگی شخصی افراد و به ویژه نخبگان آغاز می‌شود. آن بزرگ از این دریچه، شخصیتی خدوساخته داشت و خلوص، زهد، نظم و به ویژه معادباوری و یاد آخرت از خصلت بارز وی قلمداد می‌شد. حجت الاسلام والمسلمین مجید یزدی فرزند آن فقیه راحل، در این باره آورده است: «اخلاص در عمل، یکی از ویژگی‌های مرحوم آیت‌الله یزدی بود و ایشان در همه فعالیت‌های خود، به این مسئله توجه ویژه‌ای داشت. معادباوری در آغاز خود، آخرت را مد نظر قرار می‌داد. در مرگ اندیشی ایشان همین بس که همواره برای رحلت آماده بودند و به همین خاطر، تعداد ۵۱ وصیتنامه از سوی ایشان نگاشته شده و به یادگار مانده است. توجه به نظم و ترتیب، یکی از ویژگی‌های آیت‌الله یزدی بود و برنامه‌ریزی، پشتکار و ساده‌زیستی ایشان، به عنوان جلوه‌های عملی اخلاص و ایمان آن فقیه بصیر نمود داشت. آیت‌الله به شکل کم‌نظیری منظم بود، چه در خانه و چه در محیط کار. روی میز کارشان، هر چیز جای مشخصی داشت: نامه‌ها، یادداشت‌ها، دفترها و حتی قوطی خود کار. ایشان هیچ بر گه‌ای را دور نمی‌انداختند، اگر صفحه‌ای بخش سفیدی داشت؛ آن قسمت را برای یادداشت‌های بعدی نگه می‌داشتند. آیت‌الله یزدی به توصیه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی، در زمینه پرهیز از اسراف به دقت عمل می‌کرد. هر وسیله‌ای، حتی یک پاکت یا پر گه باطله، دوباره مورد استفاده

قرار می‌گرفت و زندگی شخصی ایشان، نمایانگر سبک زیست مؤمنانه و ساده بود. هر گز در خانه و محل کار ایشان، نشانه‌ای از تجمل یا اسراف دیده نمی‌شد. آیت‌الله یزدی همیشه حتی مقدرای پیش از موعد مقرر، در جلسات حاضر می‌شد؛ حتی وقتی مسیر او قم تا تهران و طولانی بود. اعضای شورای نگهبان نقل کرده‌اند که آیت‌الله هیچ‌گاه در جلسات تأخیر نداشت و همیشه برنامه روزانه او، دقیق و منظم تنظیم می‌شد. این نظم، جلوه‌ای از همان روحیه‌ای بود که قرآن و سنت بر آن تأکید دارند. ایشان از افرادی بود که لحظه‌ای از عمر خود را تلف نمی‌کرد؛ حتی زمان‌های کوتاه بین کار و غذا یا استراحت را برای کارهای علمی اختصاص می‌داد. چنانکه پروژه ترجمه قرآن کریم را در همان اوقات کوتاه بین جلسات و استراحت‌ها انجام می‌داد. ایشان قرآن شریف را بر مبنای لغت‌شناسی عمیق و اصیل عربی ترجمه می‌کرد، نه از روی ترجمه‌های دیگر. طبق گزارش مرکز ارزیابی ترجمه‌های قرآنی، ترجمه آیت‌الله یزدی از اجتهادی‌ترین و دقیق‌ترین ترجمه‌ها به‌شمار می‌آید. ایشان حتی در مسئولیت‌های سنگین همانند ریاست قوه قضائیه، روحیه میدانی داشت و مستعزا از ایشان هم‌راهان متعدد، به‌ه دادگاه‌ها و مراکز قضایی سر کشی می‌کرد و گاهی با خودرو و شخصی و معمولی مثل پیکان، به‌ه صورت خیلی ساده بی‌تکلف در محل حاضر می‌شد. یکی از رؤسای دادگستری قم نقل کرده است که آیت‌الله یزدی ساعت ۷:۵۵ صبح وارد دادگاه شده و شخصاً پیگیر وضعیت قضات و کارمندان بوده‌اند. این روحیه زهد و اخلاص، در کنار عشق به رهبری و اطاعت از ایشان از ویژگی‌های جدانشدنی شخصیت ایشان بود...»

■ **زندگی اجتماعی، نمادی از مجاهده و صبر**
در این باره، حافظه ملت انقلابی ایران در ۴۷ سال اخیر، نکاتی فراوان را ثبت کرده است. آیت‌الله یزدی گذشته از سوابق طولانی مبارزه در دوران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در حراست از نظام برآمده از آن نیز اهتمام فراوان ورزید. او را در این چهار دهه، می‌توان با دو خصلت «مجاهد» و «صبور» توصیف کرد. مجاهد از این بابت که هیچگاه عافیت طلبی پیشه نکرد و صابر از این جهت که هیچگاه طعن و اشتلم بدخواهان را جدی نگرفت. فرزندش در ادامه توصیفات خویش از پدر، در این قفره نیز اذعان دارد:



۱۳۶۱. آیت‌الله محمد یزدی در جایگاه هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی

## دربین سیره سیاسی آیت‌الله یزدی، توجه به مکانت و ولایت فقیه به عنوان محوریت جامعه شیعی در دوره غیبت، اهمیتتی بسزا دارد. وی در ادوار مبارزه و خدمت، همواره به این اصل به عنوان ملاک عمل خود و دیگران می‌نگریست و هرگز عدول از آن را از سوی هیچ کس برنتافت. وی از سر بند همین اعتقاد، برخی دوستی‌ها و مرادوات طولانی خویش را ترک گفت و ادای وظیفه دینی و انقلابی را در اولویت قرار داد

و تبعید گشت و با استقامت آن را تحمل نمود. آیت‌الله سیدهاشم حسینی بوشری از اعضای جامعه مدرسین حوزه قم، در تبیین این موضوع تصریح کرده است: «آیت‌الله یزدی علاوه بر فراگیری فقه و اصول در مکتب امام خمینی (ره)، به مبارزه سیاسی در نهضت اسلامی نیز مشغول شد که تا آخرین روزهای زندگی‌اش این موضوع را دنبال کرد و در این مسیر، خستگی‌ناپذیر و مجاهد بود. ایشان در روزگار مبارزه در قم، هم در مسجد امام حسن عسکری (ع) و هم در مسجد جامع، به روشنگری پرداخت و از چهره‌های بارز این عرصه بود. آقای یزدی می‌گفت: در یکی از سخنرانی‌ها، امام خمینی نیز حضور داشتند و از ابتدا تا پایان، به سخنان بنده گوش دادند. ایشان به عنوان یک شخصیت مسئولیت‌پذیر، در عرصه‌ها و میدان‌های سخت انقلاب اسلامی حضور داشت و به دلیل روشنگری‌هایی که انجام داد و حضور جدی‌ای که در عرصه انقلاب داشت، بارها توسط ساواک دستگیر و به شهرهای مختلف تبعید شد. آیت‌الله یزدی در هر فرصتی که پیدا می‌کرد، رابطه‌اش را با مرکزیت حرکت نهضت اسلامی – که شهر قم بود– حفظ می‌کرد. دور از چشم ساواک، به این شهر می‌آمد. در جریان مهم‌ترین مسائل روز قرار می‌گرفت و دوباره به شهری که به آن تبعید بود، بازمی‌گشت و در آنجا به تبیین مسائل من موضوعات مربوط به انقلاب می‌پرداخت. و من به یاد دارم که ایشان از منزل مراجع تقلید به منزل مرجع تقلید دیگری می‌رفت و حوادث و قضایی که رخ داده بود و لازم بود به اطلاع آنها رسانده شود را بیان می‌کرد. او به دنبال ایجاد هماهنگی بین مراجع عظام تقلید، برای پیروزی انقلاب اسلامی بود. ایشان در این رابطه، علاقه بسیار زیادی به مراجع داشت و معتقد بود که آنان، ساکنان داران بزرگ کشتی انقلاب هستند و باید این مسیر را هدایت کنند. آیت‌الله یزدی در پدید آمدن قیام ۱۹ دی مردم یزدی در این رابطه، به گفت‌وگو با طلاب پرداخت و به صورت ایجاد حسستگی‌ناپذیر تلاش کرد. به دور از چشم ساواک، جلسات مختلف و متعددی با بزرگان قم و حوزه علمیه برگزار کرد و آنها را به پدید آوردن این حماسه ترغیب کرد. آیت‌الله هر سخنی‌های بسیار که دشمنان محوریت و صیانت از مرجعیت، نقش تعیین‌کننده‌ای داشت و معتقد بود که جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به عنوان چشمی بیدار، باید توجه کند تا طرح‌ها و نقشه‌های بسیاری که دشمنان محوریت حوزه‌های علمیه داشته و دارند، عملی نشود. ایشان از این جهت و برای پیشگیری از نفوذ دشمن و احیاناً برنامه‌هایی که با اهداف انقلاب سازگاری ندارد، برای اسانیدن، فضا و طلاب، همواره روشنگری می‌کردند...»

■ **در صف نخست مبارزه با فتنه و فتنه‌گران**
در تبیین سیره سیاسی آیت‌الله یزدی، توجه به مکانت ولایت فقیه به عنوان محوریت جامعه شیعی و اسلامی در دوره غیبت، اهمیتتی به سزا دارد. وی در ادوار مبارزه و خدمت، همواره به این اصل به عنوان ملاک عمل خود و دیگران می‌نگریست و هرگز عدول از آن را از سوی هیچ کس برنتافت. وی از سر بند همین اعتقاد، برخی دوستی‌ها و مرادوات طولای خویش را ترک گفت و ادای وظیفه دینی و انقلابی را در اولویت قرار داد. آیت‌الله عباس کمبجی از اعضای جامعه مدرسین حوزه قم در این خصوص خاطر نشان کرده است: «اگر بخواهم نسبت به فعالیت‌های سیاسی و تبلیغی مرحوم آیت‌الله یزدی سخنی بگویم، باید گفت که خط مشی فکری و سیاسی وی، همان خط مشی امام راحل (رضوان الله علیه) بود. ایشان معمولاً در منبرهای عصر جمعه و خطابه‌هایی که در شهرهای مختلف ایراد می‌کرد، مورد استقبال جوانان واقع می‌شد و عنوان بحث هایش در آن ۲۰ شب به یادماندنی دوران مبارزات، «انقلاب‌های تاریک و روشن بود» که بیان خود این عناوین نیز جذابیت فراوانی داشت. کتاب از حسین بن علی (ع) پیام‌وریم، کتاب معروف او قلمداد می‌شد که در دوران مبارزات، مورد توجه قرار گرفت. آیت‌الله یزدی بسیار شکنجه و تبعید شده بود و حتی در دوران اینگونه سختی‌ها نیز باز از مبارزات انقلابی خود دست نمی‌کشید و همواره علیه رژیم ستمشاهی دست به افشاگری می‌زد. بعد

از پیروزی انقلاب اسلامی نیز منزل او محل استقرار امام خمینی و رفت و آمد شخصیت‌ها و مردم شد و کانون مبارزات قم در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همان جا بود. آیت‌الله یزدی بود که کمیته‌ها و دادگاه‌ها را در قم شکل داد و خلاصه اینکه او هم محور مبارزات قبل از انقلاب اسلامی و هم کانون فعالیت‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در قم بود. در مناصب مختلف و بسیاری حضور داشت و اثرگذار بود و در همه این پست‌ها از سلامت اخلاقی، ساده زیستی، مدیریت کارآمد و تلاش برای حل مشکلات مردم و پیشبرد اهداف انقلاب در مسیر امام و ولایت، بهره می‌برد. ولایت فقیه رکن رکن نظام سیاسی اسلام در عصر غیبت است و آیت‌الله یزدی، هم به ولایت فقیه از لحاظ نظری معتقد بود و هم به مصابق آن وفاداری کامل نشان داد. همان نقشی را که برای امام خمینی قائل بود، برای رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌شد. او چنین اعتقادی را رمز توفیق در همه امور فردی و اجتماعی می‌دانست و راه هدایت، پیشرفت، تحقق عدالت، عاقبت بخیری و نجات در آخرت را در آن می‌جست. نگاه وی به ولایت فقیه و اطاعت از آن، نگاهی فقهی، اخلاقی و در عین حال تربیتی–اجتماعی بود و وی اطاعت از ولایت فقیه را اسبب پیشرفت کشور می‌دانست. به‌خصوص در فتنه‌هایی که پیش می‌آمد و به خصوص در فتنه سال ۸۸، با همین منظر در صف نخست مبارزه با دشمنان نظام اسلامی بود. او در ایسن طریق، ملاحظه هیچ کس را نمی‌کرد و در انجام به وظیفه و عمل به تکلیف، با هیچ فردی تعارف نداشت. آیت‌الله یزدی با وجود اینکه از مراتب علمی بالایی برخوردار بود، اما در مقابل ولی فقیه تواضع فراوان داشت و برای او بسیار مهم بود که در بزرگانه‌های خطیر نظام اسلامی، نظر ایشان چیست؟ و ما باید همان نظر را پذیرفته و مبتنی بر آن به پیش برویم. چراکه او حقیقتاً بصیرت داشت و نسبت به مسائل و اوضاع، تجزیه و تحلیل می‌کرد و اطاعت از ولایت و مصداق آن و هماهنگی با او را بر اساس بصیرت دینی خویش لازم می‌دانست. در یک کلام مرحوم آیت‌الله یزدی، همیشه پای کار انقلاب و اسلام بود...»

■ **از تباط مستقیم با مردم، برای اصلاح دستگ قضایی**

آیت‌الله مرتضی متقادی در زمره شخصیت‌هایی است که سال‌ها با آیت‌الله یزدی در دوران تصدی مسئولیت ریاست قوه قضائیه همکاری داشته است. وی بارزترین خصلت آن فقید سعید را تلاش برای ارتباط بی‌واسطه با مردم و اصلاح قوه قضائیه از این طریق می‌داند و در بسط بیشتر این موضوع، اظهار می‌دارد: «من در دهه ۴۰ عضو شورای عالی قضایی بودم. وقتی رهبری مسئولیت قوه قضائیه را بر عهده ایشان گذاشتند، من تصمیم داشتم که از دستگه قضایی بیرون بیایم و قدری به فعالیت‌های علمی بپردازم. در همان روزها، حضرت آیت‌الله یزدی به منزل ما آمدند و فرمودند: با سوابق و رفاقتی که از قدیم با هم داریم و الان که من ریاست قوه قضائیه به عهده گرفته‌ام، اگر شما ما را تنها بگذارید، من نمی‌توانم این کار را به درستی انجام بدهم! با سابقه‌ای که شما در دستگاه قضایی دارید، می‌توانید خیلی به من کمک کنید. به هر حال به بنده اجازه می‌دهد که حالا در قوه قضائیه، در یک قسمت دیگر مشغول باشید و از این نهاد بیرون نروید. من گفتم: در چه مسئولیتی؟ ایشان پیشنهاد کردند: ریاست دیوان عالی کشور، بنده هم آن را پذیرفتم. به هر حال در مسئولیت رئیس دیوان عالی کشور، در قوه قضائیه ماندم که کمکی به حضرت آیت‌الله یزدی کرده باشم. بعد هم، دادستانی کل کشور را پذیرفتم. هم‌را با ایشان بودم. انصافاً ایشان در زمان ریاست‌شان بر قوه قضائیه، تحولی چشمگیر در این نهاد ایجاد کردند. یکی از روش‌های ایشان این بود که ملاقات مردمی داشتند. ظاهراً هر هفته یک روز، با مردم ملاقات عمومی بر گزار می‌کردند. مردم می‌آمدند و مشکلاتشان را مشکلات دستگاه قضایی را مشکلات قضات را برای ایشان از قضا به حضور مطرح می‌کردند و ایشان به اطلاعاتی که از مردم می‌گرفتند، خیلی اهمیت می‌دادند و اینها موجب می‌شد که بتوانند اشکالات برطرف کنند و دستگاه قضایی را به یک دستگاه قوی، مورد استقبال مردم و مورد توجه رهبر معظم انقلاب اسلامی تبدیل کنند. آنچه از زمانی که آیت‌الله یزدی ریاست قوه قضائیه را بر عهده داشتند، برای بنده مهم است، همین بود که ایشان در دیدارهایی که با مردم داشت، آنها به شکلی آزاد اعتراضات خود را می‌گفتند، مشکلات را مطرح می‌کردند و ایشان ترتیب اثر می‌داد و اشکالات را برطرف می‌کرد. در آن موقع، خیلی از قضات به دست ایشان پاسکاری شدند! مردم شکایت می‌کردند که فلان کس فلان حکم را داده. آیت‌الله یزدی بدون وقفه بر خورد می‌کردند. علی‌ای حال در زمان ریاست ایشان بر قوه قضائیه، جدا تحول عظیمی در این دستگاه مهم و تعیین کننده ایجاد شد و تقریباً دستگاه قضایی را از اشکالات خود تهی کردند. قضات حواس‌شان را جمع کردند که کارهایشان و قضاوت‌هایشان، زیر نظر رئیس قوه قضائیه است و اگر اشکالی باشد، با آن برخورد می‌شود. این نوع برنامه‌ها و رفتارهای ایشان، بسیار مؤثر و مفید بود...»

## تاریخ

تاریخ ۶۰۴۰۲۳۸۸۵

## د

آبان ۱۳۸۹ قم، آیت‌الله محمد یزدی در کنار رهبر معظم انقلاب اسلامی